

هنرهای مفهومی و کارکردهای آن در خدمت انقلاب

# هدف وسیله را توجیه می‌کند!

طیبه محمدی



اشاره:

هنر مفهومی ثمره‌ای برجای مانده از توفان عظیم تولد مدرنیته است که رابطه‌اش با انقلاب در نگاه اول متضاد یا حتی متناقض به نظر می‌رسد و حال آن‌که با دقت موشکافانه در تعریف و اهداف هنر مفهومی؛ به ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های عمیق آن در مواجهه با انقلاب اسلامی پی می‌بریم. ارتباطی عمیق که به تعبیر مقام معظم رهبری «دائمه‌ای دیگر خلق می‌کند مطابق فکر و ایمان و عقیده ما»<sup>۱</sup> مقاله پیشی رو می‌کوشد هنر مفهومی را اجمالاً از نظر بگذراند و بر ظرفیت‌های فراوان انقلاب اسلامی در آرایه ایده و محتوا به این هنر، نظر بیفکند.



**صرف نظر از تمام انتقاداتی که به هنر مفهومی، سبک‌ها، مواد، برخی ایده‌های مبتذل و بعضاً بی‌معنا و... آن وارد می‌شود، هنر مفهومی را می‌توان خمیرمایه‌ای دانست که به آسانی می‌تواند در هر قالبی جای بگیرد و به ارایه هر ایده‌ای فراتر از مرز زمان و مکان بپردازد.**

جامعه صنعتی غرب و شکل‌گیری مدرنیسم بر اساس تنوع، تجدد، فردپرستی و نفسی سنت‌های ماقبل خود، سبب شد که دید ماتریالیستی در بین مردم مسلط شود و همین امر منجر به ظهور شیوه‌ها و مکتب‌های گوناگونی در تمام زمینه‌ها از جمله هنر غرب شد.

این امر در نقاشی به استفاده بیشتر از رنگ، بافت و فرم تغییر کرد. کم‌کم بافت، دو عنصر دیگر را کنار زد و جایگزین آنها شد تا اینکه کار به حدی ادامه یافت که هنرمندان به این نتیجه رسیدند چیز تازه‌ای برای تولید با این قالب ندارند. کامپیوتر هم در همین زمان و موازی با سایر اتفاقات وارد بازار می‌شد و فضای مجازی آن به دل هنرمندان خوش می‌نشت. برخورد با دنیای مجازی در کامپیوتر، باعث کم‌رنگ شدن دید ماتریالیستی شد. این‌جا بود که ذهن‌گرایی بر ماده و بافت‌گرایی غلبه کرد و بحث ایده در هنر مطرح شد.

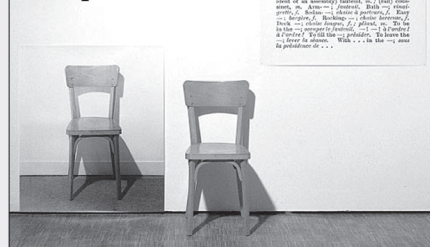
در کنار این تحولات هنری، پیدایش افق‌های فکری و فلسفی، تعاریف جدیدی از انسان و ذهنیت او ارایه می‌کرد و ارزش‌هایی متفاوت‌تر از آنچه قبلاً ملاک بود، مورد بحث قرار می‌داد. ارزش‌هایی که بی‌شک سنت‌های گذشته را تخطئه و رد کرده و حتی پس می‌زد و همواره جایگزین‌های مادی و انسانی برای آنها معرفی می‌کرد. در چنین فضایی «هنر مفهومی» به عنوان نمادی از «آزادی هنری» در دهه ۶۰ قرن بیستم متولد شد.

جنبش هنری «آزاد برای همه»؛ عرصه گسترده و بسیار متنوعی از فعالیت‌های هنری را که به «کانسپچوال» (Conceptual art) یا «ایدیا» (idea)، یا «اینفورمیشن» (Information) مشهور بودند و در کنار آن‌ها، گرایش‌های فرعی مشابهی چون «بدای آر» (Body Art)، «پرفورمنس» (Performance Art)، «نرتیو آر» (Narrative Art)، را در بر می‌گرفت.

هنر بصری پیشتازی که شدیداً بر مضمون، محتوی یا «ایده» (Concept) تأکید می‌ورزید و شکل یا صورت را عمداً نادیده می‌گرفت. این هنر همه گونه مواد ناهمخوان مثل: خاک، شیشه، پارچه، آت و آشغال، وسایل معمولی و روزمره مثل چراغ‌های نئون، نقشه، مقاله، عکس و حتی بدن آدم را در چیدمان‌های تصادفی خود به کار می‌گرفت.

کوشش هنر مفهومی بر این است که جنبه ظاهری کار را وا نهد و در عوض به جای آن؛ اندیشه و مفهوم خاص ذهنی (که معمولاً فردی، پیچیده و کلی است) را تقویت کند. ایده‌ای که به

Conceptual art

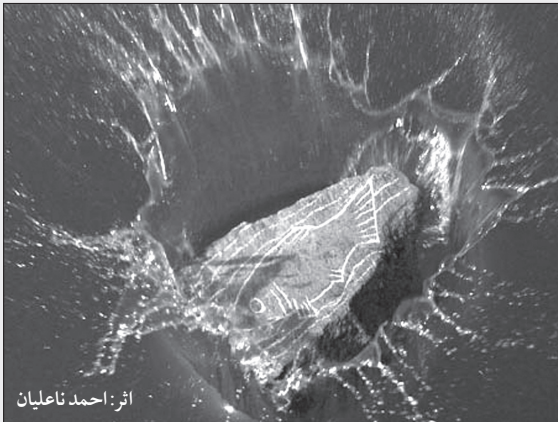


صورت انتزاعی و غیرقاعده‌مند و بر اساس نفی زیبایی‌شناسی شکل به وجود می‌آید.<sup>۴</sup>

علی‌رغم تمام بی‌توجهی به شکل و ظاهر؛ هنرچیدمان (Installation) مینی‌مالیسم (Minimalism) اجرایی (Performance Art) روایتی (Narrative Art)، فضای باز (Land Art)، هنر و زبان (Art And Language)، هنر ویدئو (Video Art)، هنر بدن (Body Art)، هنر اتفاقی (Happening Art) و هنر فرآیندی (Process Art) شیوه‌های مرسوم و معروفی‌اند که هنر مفهومی ایده‌های خود را در قالب آن‌ها به نمایش می‌گذارد.<sup>۴</sup> چارچوب‌هایی معین با قواعدی مصوب که بعضاً آثار هنری پایداری را ارایه می‌کند.

هنر مفهومی با تأکید افراط‌گونه بر «ایده»، انقلابی در رابطه سه ضلع هنرمند، اثر هنری و مخاطب ایجاد کرد. به این ترتیب «اثر مفهومی»، محاکات صورت‌های گوناگون طبیعت نیست، بلکه هنرمند با اتکا به «منطق فردی خویش» از امکانات زبان و بیان مستقیم در طبیعت و در زندگی بهره می‌گیرد و در بسیاری از موارد علاوه بر کنه و حقیقت اشیاء و به تعبیر دیگر باز تعریف آن، واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک، موضوع کار او را تشکیل می‌دهد. در این رابطه مخاطب و گاه خود هنرمند، بخشی از کلیت و شکل اثر هنری و مفهوم آن به شمار می‌آید.<sup>۵</sup> لذا القای معنا در هنر مفهومی ممکن است شخصی باشد، چه برای هنرمند و چه برای مخاطب، چه در عنوان اثر و چه در ارائه

**کوشش هنر مفهومی بر این است که جنبه ظاهری کار را وا نهد و در عوض به جای آن؛ اندیشه و مفهوم خاص ذهنی (که معمولاً فردی، پیچیده و کلی است) را تقویت کند. ایده‌ای که به صورت انتزاعی و غیرقاعده‌مند و بر اساس نفی زیبایی‌شناسی شکل به وجود می‌آید.**



آثار: احمد ناعلیان

انقلاب اسلامی و فرهنگ غنی ایرانی، به وضوح قابل درک است. گرچه آثار جدی تری (نمایشگاه‌های گرافیک محیطی در نقاط مختلف ایران، آثار هنرمندانی چون احمد ناعلیان در مکان‌هایی مثل پیاده‌روهای خیابان ولی عصر تهران، ارایه آثار هنرمندان جوان چون مقدم، تقی زاده، درزی و... در نمایشگاه‌های فردی و جمعی) که عمدتاً در ارتباط با مضامین اجتماعی و به ندرت سیاسی و مذهبی ارایه شده‌اند نیز وجود دارند که البته در مقایسه با سایر فعالیت‌های هنر تجسمی با موضوعات پیش گفته در سال‌های اخیر، بسیار مختصر به نظر می‌رسند. با این حال دقت در همین آثار مختصر پس از انقلاب اسلامی، نشانه‌های بارزی از رویکرد خاص نسل دیگری از هنرمندان معاصر ایرانی را به نمایش می‌گذارد که علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های «هنر معاصر»، در پی ارایه مفاهیمی هنری با ساختار و عناصر ملی و بومی بوده‌اند. برگزاری «نمایشگاه هنر مفهومی با موضوع عاشورا در موزه هنرهای معاصر تهران» در سال ۱۳۸۶، به عنوان اولین گام جدی و رسمی برای نمایش آثار Conceptual Art با ایده آیینی، مورد توجه بسیاری از محافل هنری و نشریات قرار گرفت.<sup>۹</sup> نمایشگاهی که توانست یکی از پرمخاطب‌ترین نمایشگاه‌های

موزه هنرهای معاصر تهران از زمان افتتاح آن لقب بگیرد و توجه بسیاری از اقشار اجتماع را نیز به خود جلب کند.

ارایه روح جمعی و شهود شخصی مخاطبان به واسطه شرکت در آثار هنری ارایه شده (مانند بغل کردن نوزاد تشنه و آب دادن به آن)



آثار: محمد رضا دوست‌محمدی

آن. هنر مفهومی با نگاه انتقادآمیز خود بر دنیای فرم و با تلاش در ارائه معنایی فراتر از شی، همچنین نقد اتفاقات بصری در ماده می‌کوشد درک بصری و فرهنگی جامعه را به میزانی فراتر از مرزهای مشخص ارتقاء دهد و این قسمتی از اندیشه جهانی شدن هنر است.<sup>۶</sup>

اگرچه به اعتقاد بسیاری، صرف پرداختن به ایده‌ها و تصورات و نیز بهره‌مندی گسترده و بی‌حد و حصر و غیرقاعده‌مند از انواع وسایل، ابزار و مواد، دلیلی برای نامیدن آن به عنوان یک «جریان هنری» نیست؛ «چرا که جریان‌های هنری، همواره به اصول تثبیت شده‌ی هنری متکی‌اند، با نگرش و گزینش متناسب با شرایط جدید متنوع می‌شوند و پس از سرایت به کشورهای مختلف، رنگ و بویی تازه پیدا کرده، سبک‌ها و مکتب‌های گوناگون ایجاد می‌کنند. در حالی که چنین چیزی در آثار هنری مفهومی دیده نمی‌شود.»<sup>۷</sup>

صرف‌نظر از تمام انتقاداتی که به هنر مفهومی، سبک‌ها، مواد، برخی ایده‌های مبتدل و بعضاً بی‌معنا و... آن وارد می‌شود، هنر مفهومی را می‌توان خمیرمایه‌ای دانست که به آسانی می‌تواند در هر قالبی جای بگیرد و به ارایه هر ایده‌ای فراتر از مرز زمان و مکان بپردازد.

### دهه ۵۰، فصل تولد هنر مفهومی در ایران بود که به دلیل تقلیدی بودن کارهای ابتدایی و سنخیت نداشتن محتواها و ایده‌های ارایه شده با فرهنگ عموم مردم، توانست در عرصه هنر تجسمی معاصر ایران پایدار بماند و به علت تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران انقلاب، در جامعه هنری نیز اقبالی نداشت. پس از انقلاب، هنر مفهومی آثار متنوعی به شیوه‌های مختلف از «چیدمان» گرفته تا «پرفرمانس» و به شکل چندرسانه‌ای در قالب نمایشگاه‌هایی به نمایش گذاشت که بیش از هر چیز بر اساس ارجحیت مفهوم به وجود آمدند.<sup>۸</sup>

دهه ۵۰، فصل تولد هنر مفهومی در ایران بود که به دلیل تقلیدی بودن کارهای ابتدایی و سنخیت نداشتن محتواها و ایده‌های ارایه شده با فرهنگ عموم مردم، توانست در عرصه هنر تجسمی معاصر ایران پایدار بماند و به علت تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران انقلاب، در جامعه هنری نیز اقبالی نداشت. پس از انقلاب، هنر مفهومی آثار متنوعی به شیوه‌های مختلف از «چیدمان» گرفته تا «پرفرمانس» و به شکل چندرسانه‌ای در قالب نمایشگاه‌هایی به نمایش گذاشت که بیش از هر چیز بر اساس ارجحیت مفهوم به وجود آمدند.<sup>۸</sup> با وجود این، دقت در نوع ایده‌های ارایه شده و شیوه‌های به کار رفته که عموماً تقلیدی است و عدم توجه به پیوستگی این هنر وارداتی با جریان هنر معاصر ایرانی و مخاطبان در این آثار، فاصله زیاد این ایده‌ها از یک سو با حقیقت هنر مفهومی به معنای اومانستی آن و از سوی دیگر با اندیشه‌های ناب و عمیقاً انسانی

**برجسته‌ترین وجه مشترک هنر مفهومی با انقلاب اسلامی، تاکید هر دوی آنها بر پیام و محتواست. ایده‌هایی که حقیقتاً از عمق جان آدمی باشد، به مکان، زمان یا مواد خاصی متعلق نباشد و در به کارگیری شیوه انتقال، آزاد باشد.**

کوچکی از عناوینی است که ایده‌های نهفته فراوانی برای ارایه به هنر مفهومی دارد. ایده‌هایی برآمده از آیین کهن اسلامی ایرانی که پیوند عمیقی با فطرت انسانی دارد و به مکان و زمان یا مواد و روش خاصی در شیوه انتقال معنا و پیام متعلق نیست. از سوی دیگر خلأ هر یک از این ایده‌ها در زندگی بشر امروز به خوبی قابل درک است.

نهایتاً می‌توان گفت برجسته‌ترین وجه مشترک هنر مفهومی با انقلاب اسلامی، تاکید هر دوی آنها بر پیام و محتواست. ایده‌هایی که حقیقتاً از عمق جان آدمی باشد، به مکان، زمان یا مواد خاصی متعلق نباشد و در به کارگیری شیوه انتقال، آزاد باشد. شکی نیست که چنین ایده‌ای که در بردارنده عمق، محتوا، خلاقیت و نوآوری است، بر عمق جان مخاطب خواهد نشست و تأثیر مورد نظر و چه بسا عمیق‌تر از آنچه هنرمند مدنظر دارد، ثمره آن خواهد بود.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. نقل به مضمون از فرمایشات مقام عظمای ولایت در دیدار با هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور ۱۳۷۳/۴/۲۲؛ هنر باید متعالی باشد، ص ۳۰.
۲. از نقاشی انتزاعی تا هنر مردمی؛ گفت‌وگو با سهراب هادی.
۳. هنر مفهومی؛ هنر دوره معاصر عبدالمجید حسینی را، برگرفته از کاتالوگ نمایشگاه هنر مفهومی، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۸۰.
۴. wikipedia.org
۵. تاریخچه هنر مفهومی و هنرمندان آن؛ میثم حاتمی رامشه، مرکز الکترونیک کتاب‌های پارس.
۶. از نقاشی انتزاعی تا هنر مردمی گفت‌وگو با سهراب هادی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹.
۷. حبیب‌الله آیت‌اللهی، ماهنامه بیناب، شماره ۱ دوشنبه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
۸. هنر مفهومی؛ هنر دوره معاصر، عبدالمجید حسینی را، برگرفته از کاتالوگ نمایشگاه هنر مفهومی، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۸۰.
۹. هنر مفهومی و رویداد، محمد مهدی مرادی حقیقی، ۴ مارس ۲۰۰۹، rooydaad.wordpress.com
۱۰. فرمایشات مقام معظم رهبری در جمع هنرمندان اصفهانی در نمایشگاه حوزه هنری سازمان ۱۳۷۲/۲/۷، هنر باید متعالی باشد، ص ۴۲.
۱۱. نقل به مضمون فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور ۱۳۷۳/۴/۲۲، هنر باید متعالی باشد، ص ۳۰.
۱۲. هنر مقاومت و مقاومت هنری، احمد میراحسان، نشر به پگاه، شماره ۱۷۶.

همگی از غنای محتوا و ایده‌ای حکایت می‌کرد که ریشه در ایده‌ای برآمده از آیین عاشورا داشت.

هنر مفهومی که اصالتاً در بستری انسان‌محور و مادی‌گرا متولد شده، بی‌شک بر مبنایی ماتریالیستی-لیبرالی استوار است که در صورت حفظ همان اصالت‌ها، با جامعه اسلامی همخوانی ندارد؛ چرا که اگر قرار باشد اثر هنری به «ایده» فروکاسته شود، اغلب هنر معاصر غرب چیزی برای ارایه ندارد. و ایده‌های عمدتاً خاکی و انسانی غرب، علاوه بر عمیق نبودن، تأثیری موقت و ناپایدار بر مخاطب می‌گذارد و در عمق جان و روح او نفوذ نمی‌کند. عنصر اصلی و اساسی که هنر اصالتاً داعیه‌دار آن است، بی‌باوری نسبت به ماوراءالطبیعه یا غیب، وابستگی بیش از حد به مادیات، محدود کردن انسان در چارچوب زندگی روزمره، آزاد گذاشتن مخاطب در برداشت از اثر هنری و ... همگی ثمره درختی اند که ریشه آن در خاک اندیشه‌های مدرنیته رشد کرده است و البته «کسی که در ماده و عالم ماده و گل ولای ماده، گیر کرده باشد، نه می‌داند عالم ماده چیست و نه از عروج سر در می‌آورد»<sup>۱۰</sup>. در این میان هنرمندان انقلاب به دلیل هماهنگی و همگامی با پیشرفت جهانی هنر از یکسو و سنخیت یافتن با عمق فرهنگ غنی اسلامی از سوی دیگر در برخورد با این هنر وارداتی، باید «ذایقه دیگری» خلق کنند که در عین حفظ اصول و قواعد هنری، «ضد انقلابی یا بی تفاوت» نباشد؛ یعنی هنری باشد مطابق فکر و ایمان و عقیده ما.<sup>۱۱</sup> این مهم بی‌شک حاصل نمی‌شود مگر با مشارکت همه‌جانبه و فعال هنرمندان و مراکز هنری که عمیقاً وابسته به ارزش‌های انقلابی و اسلامی و برخاسته از آنند.

این در حالی است که مروری بر آثار و نمایشگاه‌های هنرمندان این هنر جدید در ایران پس از انقلاب، خلأ ایده‌های ارزشمند و آسمانی خودنمایی می‌کند و حال آنکه این هنر با توجه به اصرار زیاد بر «ایده، پیام و محتوا» و رهایی از قید و بند مواد؛ قابلیت برقراری ارتباطی عمیق با انقلاب اسلامی به عنوان یک «اندیشه» را دارد.

انقلاب برای هنر ما، پیام‌آور تعهد انسانی است که پیش از آن دیده نمی‌شد و اگر با نگاهی تازه‌تر به دستاوردهای این هنر بنگریم، بی‌شک ارزش‌ها و معانی عمیق‌تری دریافت خواهیم کرد.<sup>۱۲</sup>

آرمان‌های معنوی، غیب‌باوری، معرفی عدالت جهانی در پرتو استقرار حکومت اسلامی، سعادت اخروی انسان، حقوق معنوی او، ذوق درونی بشر برای عروج، رهایی انسان از بند مادیات، ایجاد هدف ماورائی، توانایی انسان در برقراری ارتباط با ماوراءالطبیعه در قالب وحی، الهام و کشف و شهود، جایگاه عظیم اهل بیت (علیهم السلام)، ولایت فقیه، معارف عمیق قرآنی و ... تنها بخش

